

در اهتزاز باد پرچم خونین
سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۵ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۹

محرکین جنگ داخلی وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم هستند

● رویارویی مردم با یکدیگر خواست امپریالیسم و عوامل وابسته به آن است

سخنگوی سازمان از این که این مصاحبه در مجله ستاد فدائیان خلق صورت نمی گیرد اظهار تأسف نمود و گفت "خوشحالم از این که هنوز سازمان می تواند کنگرایی مطبوعاتی رادیکال را برقرار کند". وی پیرامون مسائل چند روز اخیر چنین اظهار داشت: "تشنجانی در مناطق مختلف طی روزهای گذشته صورت گرفته است که از آن جمله اند حمله به کتابفروشی ها، تهاجم به زنان، اعمال فشار بر توزیع بقیه در صفحه ۶

پنج روز بعد از حمله به ستاد مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سخنگوی سازمان طی یک مصاحبه مطبوعاتی نظرات سازمان را پیرامون حوادث چند روز اخیر مطرح کرد. این مصاحبه در منزل فدائی شهید بیزن حزبی یکی از بنیانگذاران سازمان صورت گرفت.

از اهداف ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی راهپیمائی روز قدس قاطعانه حمایت می کنیم

سازمان طی اطلاعیه ای که پنجشنبه بیست و پنجم مردادماه توسط خبرگزاری پارس مطبوع شد، لیکن بهت سیاست یکجانبه و مغرضانه را ردیو-تلویزیون از رسانه های گروهی بخش نده، اعلام کرد که از هدفهای ضد امپریالیستی بقیه در صفحه ۲

حمله به ستاد
فدائیان خلق
توطئه ارتجاع و
امپریالیسم علیه
مردم است



ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق، قلب کارگران و زحمتکشان ایران لحظاتی بعد از هجوم چاقبازان بدستار است.

رژیم دیکتاتوری سابق، مزدوران سر سربده امپریالیسم که در روزهای قیام به سوراخهای خود خزیده و جرات ابراز وجود نداشتند. اکنون سراسر ایران را میدان تاخت و تاز خود قرار داده و هر روز که میگذرد شاهد هجوم گسترده تر آنها علیه دستاوردهای مبارزات مردم، میباشیم. اکنون بجای مبارزه پیکر با امپریالیسم، تشدید درگیری میان گروههای مختلف مردم، بجای آزادی قلم و اندیشه، انحصار طبعی و اختناق فکری و بجای شمارهای انقلابی و مترقی، شمارهای مبتذل، فتنهای رکیک و مستهجن علیه نیروهای انقلابی در فضای خیابانها طنین انداز است و در دیوار را بقیه در صفحه ۴

حل مسئله خلقها از طریق جنگ فقط به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع وابسته به آن است

همانگونه که بارها اعلام کرده ایم در این شرایط حساس هرگونه درگیری مسلحانه و راه حل نظامی مخالف منافع مردم ایران و تنها به سود امپریالیسم، صهیونیسم و عوامل داخلی آن تمام می شود. امپریالیسم، صهیونیسم و سرسپردگان داخلی آن اینک همه نیروهای خود را برای سرکوبی خلقهای ایران و نیروهای انقلابی و مبارز به کار گرفته اند و واضح است امپریالیسم قبل از هر چیزی می کوشد به طریقی مختلف با ایجاد نفاق و برادرکشی زمینه تحکیم سلطه خود را فراهم کند. حمله همجانبه نیروهای انقلابی منافع مردم و آتش زدن کتابفروشی ها و روزنامه فروشی ها و توهین و نداشتن به زنان توسط گروههای مزدور و افراد ناآگاه و تحریک شده اینک به اوج خود رسیده و در این گیرودار، جنگ و برادرکشی در پناه آغاز شده است.

چکشی از این رویدادهای شوم سود می برد؟ بدون تردید این افعال که به تشدید تضادهای درون خلق و در غایت از هم پاشیدگی وحدت خلقهای ایران منجر می شود، با دقت تمام از جانب امپریالیسم طراحی شده و مویم در ایران اجرا می شود. آنها می گویند که به این درگیری های ناخوایسته دامن می زنند، آنها می گویند که آتش بیار مرکه شده اند آنها می گویند که ناآگاهانه قربانی توطئهای حساب شده امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم جهانی و عوامل داخلی آن شده اند اینک دارند ثمرات مبارزات قهرمانانه مردم ایران را نابود می کنند. سرنوشت چنین مردم ایران با خطری جدی و بزرگ مواجه است. توطئها و دستهای دشمن و ندامت کاری های عوامل ناآگاه در سراسر ایران کارها را بجای رسانده است که برای نجات چنین مردم و جلوگیری از تحکیم سلطه امپریالیسم، همه نیروهای مبارز و انقلابی، همبندم که با مبارزات متحد و یکپارچه خویش رژیم شاه را سرنگون کردند باید بار دیگر با اتحادی مستحکمتر از روزهای قبل از قیام صفوف خود را فشرده کنند.

ما بار دیگر اعلام می کنیم که راه حل مسائل مردم و همچنین مسئله خلقها از طریق جنگ، فقط به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع وابسته به آن تمام می شود و هر نیرویی که بخواهد در این شرایط بحرانی بجای راه حل سیاسی، راه حل نظامی را در پیش گیرد باعث تشدید تضادهای داخلی می شود و چه خواهد بود و چه نتایج بدست خواهد آمد و ارتجاع وابسته به آن خدمت کرده است.

در پناه نیز آن که موجب بروز جنگ و درگیری شده است، بدون تردید چه خواهد بود و چه نتایج بدست انقلاب خدمت کرده است. ما از آنجا که در این منطقه فعالیت سیاسی نداریم تاکنون اطلاع دقیقی از کم و کیف جریانها که در این منطقه گذشته است نداریم. اما موضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در قبال برخوردهای پاره و یا هر برخورد مشابه دیگر آن است که مسائل همه خلقهای ایران و همه مناطق ایران در شرایط کنونی باید از طریق سیاسی حل شود. راه حل نظامی بدون تردید وحدت خلقهای ایران را مستحوش تهدید می کند و یکپارچگی و استقلال ایران را در خطر جدی قرار می دهد.

در بیست و ششمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد، رژیم کودتائی سرنگون شده ولی انقلاب در نیمه راه باز مانده است (قسمت دوم) علل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد را بشناسیم و درس عبرت بگیریم. ● تفرقه و جدا کردن مردم از یکدیگر بزرگترین حربه امپریالیسم از کودتای ۲۸ مرداد بود

در شماره قبل کودتای ۲۸ مرداد، شرح مختصر وقایع قبل از آن و شرح چگونگی وقوع این واقعه را بررسی کردیم. در این شماره به علل شکست جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی در مقطع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و درسهایی که از این شکست میتوان گرفت، خواهیم پرداخت. ۲۸ مرداد شکست استراتژیک جنبش رهائی بخش در یک مرحله از حیات خود بود. کمبود جدی شرایط ذهنی فقدان پیشاهنگ انقلابی در جنبش کارگری و نبود یک رهبری قاطع و بیخاشاک در جناح بورژوازی ملسی مهمترین علت این شکست بشمار می رود. موقعیت مقتان در جنبش که تازه داشتند

جعلیات روزنامه «انقلاب اسلامی» راه دیگری برای عوام فریبی و تحریک عناصر ناآگاه است

● اعلام جرم سازمان چریکهای فدائی خلق علیه جعلنامه روزنامه انقلاب اسلامی
در شماره ۲۶ روزنامه انقلاب اسلامی چیز حاکی از ناشیگری و ناآگاهی چاپ جعلنامه های با آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به چاپ رسیده بود که قبل از هر بقیه در صفحه ۴

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران:

سازمان ما از هیچ کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار نخواهد کرد. لازم میدانیم درباره وقایع روزهای اخیر مراتب زیر را به اطلاع همبندان برسانیم: ۱- با توجه به سیاست عمومی سازمان و نظر به جو متشنجی که ایجاد کرده بودند، مظاهرات و راهپیمایی روز یکشنبه ۲۹ مرداد را نادرست دانسته و در آن شرکت نکردیم. ما اطلاع داشتیم که عناصر وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم با اجیر کردن عدای مسلح کرن آنان به اسلحه گرم و سرد قصد هجوم به تظاهرات و درگیری و خونریزی را دارند و می خواهند آنرا وسیله تحریک عناصر ناآگاه برای حمله به دفاتر سازمانهای انقلابی و مبارزات ما با مخالفت با این تظاهرات جهت خنثی کردن توطئه مرتجعین جلوگیری بعمل آوریم. ۲- ما تعطیل مطبوعات آزاد و تشدید فشار به سازمانهای سیاسی و هر نوع حمله به صفوف بقیه در صفحه ۲

بررسی دیدگاهها و روانشناسی توده های رای دهنده در انتخابات مجلس خبرگان (قسمت دوم) چه کسانی به کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق و موثقفین رای دادند

۱- جمع بندی قسمت اول در شماره ۲۶ کار ما در مورد دیدگاهها و روانشناسی توده های رای دهنده به کاندیدای های حزب جمهوری اسلامی موثقفین صحبت کردیم. گفتیم انگیزه این دسته از رای دهندگان چه بوده است؟ ما گفتیم رای دهندگان نه بر اساس تایید ویرانه و تاکتیک حزب جمهوری اسلامی به آن رای داده اند و نه بر اساس اعتماد شخصی به آن کاندیدانها (بجز آیتالله طالقانی و احتیاجا یکی دو کاندید دیگر). اعتماد به پیش نویس قانون اساسی که توسط یک جناح از هواداران همین ائتلاف تنظیم شده است نیز محرک رای دهندگان به این ائتلاف نبوده است. توده رای دهنده به اینها اساسا هنوز در آن مرحله از رشد دمکراتیک نیست که درک کرده باشند قانون اساسی چه اهمیتی در سرنوشت او دارد، تمام نونهالان نشان می دهد که آنها اصلا متن پیش نویس را ندیده بودند بسیاری هم اصلا نمی دانستند که پیش نویس چیست! گفتیم انگیزه عمومی توده های رای دهنده عموما نوعی قدر شناسی سیاسی نسبت به شخص آیتالله خمینی است که سخت با احساسات توسط یک جناح از هواداران همین ائتلاف

پیروزی مبارزات قهرمانانه خلق فلسطین

سالهاست شاهد مبارزه قهرمانانه خلقی هستیم که با نبرد مسلحانه خود مسمم است بوز جهانبخواران امپریالیست و صهیونیست را به خاک مالد. فلسطین قهرمان این سرزمین کوچک و خلقی که در صف مقدم مبارزه علیه ستم بیا خاسته است، برای تمام آنها که می خواهند آزاد باشند و در مقابل ستمگران سر فرود نیارند، یکی از بزرگترین نمونه های دوران ماست. خلق فلسطین نشان داده است که می توان بقیه در صفحه ۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



بررسی دیدگاهها و روانشناسی...

منهجن درآمیخته است. اما درمیان رای دهندگان باین ائتلاف افشاری هم بودهاندکه کاملا آگاهانه ویا شناخت نسبتا کاملی از کاندیداها و نظرات آنها وهمچنین ماهیت حزب جمهوری اسلامی و سنگگیری طبقاتی آن به کاندیداها و آن رای داده اند از آن جمله اند تبار بازار و بطور مشخص افشارالایی ومیانی خرده بورژوازی سنتی. اینها از یک آگاهی سیاسی شکل گرفته و مشخص بر سر خوددارند اینها آگاهانه از رهبری موجود دفاع می کنند. و این امر را منطبق با منافع طبقاتی خود می دانند.

۲- ترکیب مؤلفین یا سازمان مجاهدین خلق ایران و سیاست آنها

اما قرار بود در این شماره راجع به ترکیب طبقاتی وانگیزه های رای دهندگان به کاندیدا های سایر سازمانهای سیاسی صحبت کنیم.

۱- نظر مقدار آراء سازمان مجاهدین خلق ایران و مؤلفین با حدود ۳۰۰ هزار رای در تهران بعد از حزب حاکم قرار داشت. این ائتلاف طیف نیروهای منمنجی شد امیریالیت ومعتقد به دموکراسیم خرده بورژوازی را تشکیل می دهند. قشریت وانحصار طبسی در آنان چشم نمی خورد. از آنجا که دیدگاههای ترقی خواهانه دارند ایده های منمنجی را به خدمت مبارزه طبقاتی و ضد امیریالیستی گرفته اند. و از آنجا که آزادی سیاسی و رعایت حقوق دموکراتیک خلق می تواند در خدمت مبارزات شد امیریالیستی قرار گیرد، این ائتلاف می گوید با شیوه های اختناق آور و سرکوب گرانه موجود و حمله به نیروهای مترقی و پیشرو بمقابله برخیزد. اما چون موضع منمنجی دارند ونفوذ دولت و رهبری درمیان نیروهای که سازمان مجاهدین همبر آنها تکیه می کنند قابل ملاحظه است مسی کوشند هم رویاها را با دولت و رهبری حفظ کنند وهم مبارزه دموکراتیک و ضد امیریالیستی خود را پیش برند.

اما جالب است که دیدگاههای انحصار طلبانه طرف مقابل و تشریک عناصر قشری چنان شدید است که به اید کسودا طعنه وارد توجیه با نیت مواجه شده است. تبلیغات سوء علیه سازمان مجاهدین خلق از جانب عناصر قشری و بسیار عقب مانده که از سال ۵۵-۵۶ شدت گرفت در روزها و ماههای اخیر بازمه اوج بیشتری یافته است.

۳- ائتلاف که وجه غالب آنرا طبقی از جریانات دموکرات و ضد امیریالیستی پوستانیده قصد داشت با شرکت درانتخابات مجلس خبرگان اعتبار خود را پایا ثابت رساند وازاین طریق چپه نیروهای منمنجی دموکرات را تقویت نماید. نظر آنها در مقطع کنونی این نیست که می توانند در تدوین قانون اساسی نقش داشته باشند آنها گرچه استفاده ازادویب تلویزیون را برای تبلیغات تخریم کردند واین خود نوعی اعتراض بهسیاست انحصارطلبانه و معرضانه آن نیز تلقی شد اما چنانکه خود رسا اعلام کردند قصدشان مشخصا افشارگری نیز بوده است.

از سوی دیگر سازمان مجاهدین ومؤلفین بدلیل ترکیب نیروهای هوادار وطنیکه دربر گرفته اند، همانگونه که شرکت در انتخابات موفق آنها را تثبیت و تقویت میکند تخریم انتخابات موجب تضعیف آنها و از دست دادن نیرو می شد.

این پنج سازمان با وجود اینکه می دانستند جریانات انتخابات حمان هواداران حزب حاکم ومزولفین آن بشمار می روند و در سراسر ایران لیست کامل کاندیداها انتشار داده اند وبااین ترکیب وسیاست انحصار طلبانه انتخابات وتالیق آنها کاملا بود خود برگرار می کنند بازمه بهمان دلایلی که شرمیدم در انتخابات شرکت کردند.

دراین ائتلاف سازمان مجاهدین خلق که از یک نیروی سازمان یافته و یک سابقه مبارزاتی درخشان برخوردار است نقش برجسته را برعهده داشت.

۳- دیدگاهها و روانشناسی توده رای دهندنه باین ائتلاف.

دست بر عکس رای دهندگان به حزب حاکم، اکثریت مطلق رای دهندگان به این ائتلاف آگاهانه و با شناختی که از مواضع سیاسی و گرایشهای ایدئولوژیک آنها داشتند باین ائتلاف رای دادند. بررسی های عینی نشان داده است که برخلاف حزب جمهوری اسلامی که کوشید با تکیه روی احسانات منمنجی و احترام و ستایش توده نسبت به رهبری منمنجی

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

● سازمان ما از هیچ کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار ...

نظار کنندگان و نقض آزادی های سیاسی را بهر صورت که باشد، شدیدا محکوم می کنیم. افزایش روزافزون اختناق وسرکوب پایمال حقوق و آزادی های را هدف خود قرار داده است که خلق ما با دادن هزاران شهید و نابودی رژیم پهلوی بخت آورده است.

۳- دفتر مرکزی سازمان مورد حمله عوامل مرتجع وابسته به امیریالیم و سهویوسیم قرار گرفته است. طبق اطلاعات پست آمده متاسفانه کمیته مرکزی انقلاب اسلامی تهران و افراد مسلح وابسته به آن مستقیما به حمایت ازاین عوامل متشوک پرداخته اند. کلیه اموال وانایبه سازمان توسط همین کمیته مصادره و ضبط شده است. روزنامه های هوادار دولت و کیهنها چنین وانمود کرده اند که کمیته مرکزی انقلاب اسلامی در این حمله دست نداشته اند و این حمله کارمیهویوسیتها وعوامل امیریالیسم بوده است و آن کمیته تنها مسئولیت مقابله با تاراج گران را برعهده داشته است. دراین صورت می رهسیم چه کمیته مرکزی انقلاب اسلامی اموال دفتر سازمان را مصادره و ضبط کرده است؟ افراد این کمیته به چه منظور ازباعت ۸ صبح در ساختمانهای نیمه تمام اطراف دفتر سازمان با میسیم وسلسل متفرق شده بودند؟ چرا کامیونها و افراد مسلح کمیته همراه مهاجمان بمجله دفتر رسیدند؟ چرا آنها فقط از چوب بدمستان وقتکشها حمایت کردند کسه بدمستان مزاحمت درونچرخ ساختمانها بشکنندوشنایات واعلامیها و کتابها را به آتش کنند یا یاره کنند.

اگر کمیتهها دراین حمله دست نداشته اند پس چرا آنها رسوا هیچکمی نمیکنند؟ اگر کمیتهها دراین کار دست نداشته اند پس چرا خودشان اموال سازمان را برده اند؟ و علاوه بر همه اینها چرا بلافاصله بعد از متفرق شدن «عوامل سهویوسیم وامیریالیسم» دترسازمان را ترک نکرده و آنرا تحویل نداده اند؟

۴- اظهارات دولت وعوامل کمیتهها در مورد عاملین حمله و عدم وجود نقش طراحی شده برای حمله بعدنروهمچنین ضبط تجهیزات نظامی از قبیل تیربار و گلوله های خیارماننداز وغیره کسب محض است.

این کنیبت تازگی ندارد. مدتهاست که دولت با رادیو، تلویزیون وسایر دستکاهای تبلیغاتی به پیش اخبار و مطالب جعلی، معرضانه ویک جانبه پرداخته اند.

ما ادامه دوغورگذاری وانغال مردم را شدیدا محکوم کرده، نتایج آن را بهزبان دست آوردهای قیام تودما وبسود امیریالیسم، سهویوسیم وارترجاع می شرمیم.

۵- نظر به احترامی که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای شاعر، آداب، سنو عقاید تودما قابل است ودرتائید سیاست خود که ممانعت از درگیری با دستجات تحریک شده توسط مزدوران امیریالیسم و سهویوسیم است ونظر به اینکه فدائیان خلق در این شرایط که آنها می کوشند با تشدید تشنجات این دستجات ناآگاه راه بمقابله با انقلابیوسین واقعی وسازمانهای مترقی بکشند با هوشیاری کامل اعلام می کنیم:

در روزهای سوگواری ماه رمضان که تا روز شنبه آینده است از تظاهرات خیابانی خودداری کرده و بدین وسیله نیز از مسئولین امر می خواهیم تا دراین فرصت ضمن معرفی معرکین حمله بعدنتر سازمان به خلقهای ایران، محل دفتر و اموال آنرا تحویل نمایندگان رسمی ما داده حفظ امنیت آنرا تضمین نمایند. بدیبهی است از آنجا که سازمان معتقد به آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک خلق است، پس از آن ازهیچ کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار نخواهد کرد.

با ایمان به پیروزی خلقهای ایران

علل کودتای امیریالیستی ۲۸ مرداد...

خود طی روزهای ۲۶ تا ۲۸ مرداد دست به مقاومت میزد امکان شکست دادن کودتا وجود داشت. این مقاومت میتوانست سرآغاز حرکتی انقلابی برای بسیج وتجهیز تودما دریک نبرد توده ای بر ضد دشمن باشد. بنابر این اپورتووسیم بیگرایی که در جنبش کارگری ریشه دوانیده بود حزب توده را به سیاستی تسلیم طلبانه کشاد و شکست خلق را بهشکستی جبران ناپذیر مبدل کرد.

ما در زیر چشپندی مختصری از عمده ترین شغفهای حزب توده و خیانتهای رهبری در جریان کودتای ۲۸ مرداد بدمت می دهیم:

۱- حزب توده علیرغم هشدارهایی که به مسئولین نهاد خود در مقابل کودتا فافگیر شد، حزب که دراین موقع بدنیاله روی می چرون و چرا از مسدود چهار شده بود عملا گرگونه ابتکار عمل خود را از دست داده بود و بهک جریان دنبالهرو نظیر حالت کنونی تبدیل شده بود.

۲- گرچه حزب توده قیلا نیروهای خود را آماده مبارزه نظامی نکرده بود ولی میتوانست بر کودتای ۲۸ مرداد نیروهای موجود را وارد عمل کند. برخوردهای نظامی با کمک سازمان نظامی که ۶۰۰ نفر و تعداد چند برابر درجدار در اختیار داشت، میسر بود. سازمان نظامی افرادی را در مابوریت بسیار حساس در بین کودتاچیان داشت که اینها میتوانستند ضربات مهلکی به کودتاچیان وارد آورند. حتی اگر این برخوردار نظامی به شکست می انجامید باعث میشد که اولابروسه مبارزه سیاسی بهرپرسه مقاومت مسلحانه توده های مردم تکامل پیدا کند، ثابنا رسانستبارزه رهائی پیش بدمت. نیروهای طبقه کارگر بیفتند. نالنا غناسر انقلابی در رهبری وارگان های مشورل باعث شد که رهبری اپورتووسیت را بگیرند. بنابراین مهم ترین نمود اپورتووسیت بیگرایان در رهبری، هراس از عمل و بیگاری بگردن نیروهای خود در یک نبرد مسلحانه توده ای علیه دشمن بود.

۳- رهبری حزب توده قادر نبود درحفظات «تاسی» «تسبیم» و «تسبیم» اختلافا داخلی، بداشتن جارت انقلابی و فرصت طلبی عواملی بودند که دراین امر نقش ایفا کرد. ضعف شدید عده ای از رهبران هنگام بازداشت که تاسرحد حیات رفتند نتیجه خصوصیات این رهبری بود.

۴- نفوذ عناصر فرست طلب در شرایط مبارزه نیمه علنی سالهای ۳۵ تا ۳۲ برون حزب توده زمینه ادامه و تشدید اپورتووسیم در حزب توده و رهبری را موجب گشت این امر همچنین باعث ضعف عمومی حزب در ماجرای ۲۸ مرداد شد بطوری که در همان روزهای اول پس از کودتا عمده قابل توجهی از افراد حزبی با واحدهای خود قطع تماس کردند.

۵- پس از پیروزی کودتا رهبری حزب از درک اهمیت این پیروزیها وتاکنجی که باز می آورد عاجز مانده و در سد چشمید سازمان وتغییر برنامه های خود برنیامد. باین ترتیب که اول اسرار داشت که همه افراد خود را حفظ کند وثابنا با دست زدن به متنبکهای مضمینی و پیش اعلامیه و شمار نویسی با کودتا مقابله کند. رهبران حزب توده فکر میکردند که همانطوریکه «کودتای صغیر» شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۳۲ مانع ادامه حیات حزب توده نشد، این کودتا هم به «غیر» خواهد گذشت. رهبری عملا باسیاست دقیق الوقت کاری را که در چنین شرایطی میبایستی انجام دهد به تعویق انداخت وسر انجام پس از یکسال تامل دست زدن به تاکتیکهای نامناسب با یادداشت افسران سازمان نظامی، شرمزگرکام دشمن برسر اسر حزب توده وسازمان های وابسته به آن وارد آمد.

از اهداف ضد امیریالیستی و..... بقیه از صفحه ۱

جمله اند رفقای شهید ایرج سهری، فرهاد سهری، معین نوربخش، خسروی اردبیلی وسایر رفقای که مهاکتون به مبارزه خود ادامه میدهند.

رفقای ما با شرکت مستقیم خود در مبارزه مسلحانه خلق فلسطین و یق فداکاریهای بسیار درعمل نشان داده اند که تا پای جان به آرمان خلق فلسطین وفا دارند وامروز نیز همچنانکه قبلا نیز اعلام کرده ایم، آماده اند به جهه نبرد فلسطین رفته و دوشادوش خلق فلسطین برای درهم شکستن دشمن مشترک، یعنی سهویوسیم و ارتجاع وامیریالیسم نبرد کنند.

پیش نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است

موزامبیک، کشوری ره‌اشده از استعمار

قسمت اول

۲۵ ژوئن، (۲۴ تیر) روزی است که یادآور پیروزی خلق موزامبیک و مبارز موزامبیک به استعمارگران پرتغالی است. روزی که نوید هجرت آزادی خلق موزامبیک است.

در اینجای سیم شصت که به اختصار اوضاع اقتصادی - اجتماعی موزامبیک بررسی شده و ششای آرتسلیخ مبارزات این خلق بازگو شود:

خوبیت جغرافیایی: موزامبیک در قسمت جنوب شرقی آفریقا قرار دارد و از شمال با

تایزیا، مالاوی و زامبیا، از غرب با زیمبابوه (روندیا) و آفریقای جنوبی و از شرق با اقیانوس هند هم مرز است. مساحت این کشور حدود ۷۵۰ هزار کیلومتر مربع و به تنهایی هشتاد و نهمین کشور بزرگ است. این کشور پوشیده از جنگلها و مراتع سبز و خرمسباز است. مساحت آن بالغ بر ۹ میلیون نفر است. موزامبیک به خاطر موقعیت استراتژیک و دارا بودن منابع زیرزمینی فراوان و نیروی کار انسانی ارزان از دیرباز مورد توجه استعمارگران قرار داشته است.

ورود استعمارگران

در قرنهای ۱۵ و ۱۶، پرتغالیها بندرهای ساحلی موزامبیک را تحت کنترل خود گرفتند و در نتیجه جریان تجارت از مناطق داخلی به شهرهای ساحلی و خارج زیر نظر آنها قرار گرفت. از این تاریخ تا اواخر قرن ۱۹ حضور پرتغالیها اساسا بر تجارت برده و تجارت نایبراه **پلازا** و غارت ثروتهای طبیعی این کشور استوار بوده است. اولین ساکنان پرتغالی موزامبیک زمینهای زراعی را از دست روسای قبایل بومی بیرون آوردند و سیستمی را برقرار کردند که از آن تحت عنوان «پرازو» نام برده میشود. در این سیستم قدرت صاحب زمین نامحدود بود، از جمله اختیار زندگی یا مرگ همه ساکنان «پرازو» در دست صاحب زمین بود. کلیه امور مانند خرید و فروش برده را در کنترل صاحبان «پرازو» قرار داشت. در سال ۱۸۶۴ ماحیان با صدور قانونی، برده‌داری در سراسر امپراتوری پرتغال ملغی شد ولی این امر در مستعمرات برده حیات صرف باقی ماند و بزده‌های سابق تحت نام جدید «لیبرتو» **Liberto** همان شیوه و شدت گذشته استعمار می‌شدند.

پس از کنفرانس برلین که در آن قدرتهای اروپایی شرکت داشتند، استراتژی جدیدی از طرف پرتغال برای کنترل موزامبیک وضع شد. ضمن آنکه امتیازات زیادی به انحصارات آلمانی، فرانسوی و انگلیسی واگذار شد. در نتیجه این استراتژی جدید صاحبان «پرازو» در شرکتها صاحب امتیاز انحصاری تحلیلی رفتند. بنوان نمونه شرکتهای «کپاسی موزامبیک»، «کپاسی نیاسا» و «کپاسی زامبیا» در مناطق مختلف مستعمرات پرتغال شروع به بهره‌برداری از نیروهای انسانی طبیعی کردند. شرکت اول، «کپاسی موزامبیک» بزرگترین اینان بود که انحصار تجارت استخراج ماسه و غیره در منطقه‌ای به بزرگی ۶۲ هزار مایل مربع، را در اختیار داشت. زمینهای زراعی در خدمت کشت محصولاتی که از طرف امپریالیسم خواست میشد قرار گرفت. در موزامبیک این محصول پنبه بود که دهقانان در شرایطی که نیازی به آن نداشتند، مجبور به کشت آن بودند.

پس از بقدرت رسیدن دیکتاتوری «سالازار» در پرتغال (۱۹۲۸) سیل مهاجران پرتغالی به موزامبیک برآورد شد. هدف از این امر، حرکت در جهت حل مشکل بیکاری در پرتغال و استفاده هرچه وسیعتر از ماسه‌ها و نیروهای انسانی موزامبیک بود. این مهاجران با انکاء بدولت پرتغال به مقاصد زمینهای مرغوب زراعی پرداختند بطوریکه برای یک میلیون ۲۵۰ هزار خانوار موزامبیک، قسط بالغ بر یک میلیون هکتار زمین مرغوب باقی می‌ماند در حالیکه مهاجران هر یک بیش از ۲۵ هکتار زمین در اختیار داشتند. سیاستهای مستعمراتی پرتغال مانع از گسترش منابع بسود و به این ترتیب کارگران عمدتا در ماسه‌ها و بنادر مشغول بکار بودند و کارخانه‌های بزرگ وجود نداشت به همین دلیل دهقانی که در اثر حرکت سرمایه‌های امپریالیستی از زمین خود



جدا میشدند نمی‌توانستند در جایی مشغول بکار شوند، همین مسئله در موزامبیک باعث شد که توده‌های دهقان بی‌زمین و اغلب آوار، ستون فقرات جنبشهای ملی را تشکیل بدهند. علاوه بر آن تعداد زیادی از آنها به جستجوی کار در کشورهای دیگر پرداختند. در سال ۱۹۱۰، حدود ۲۰۰ هزار نفر در ماسه‌های آفریقای جنوبی کار می‌کردند که یک چهارم آنان اهل موزامبیک بودند. همین مسئله نطفه هستی‌های آملی را که علیه رژیم واحسدی ملیت‌های مختلف بودند، در زیر ستم وحشی قرار دادند، تشکیل میدهند. عاملی که در رشد و گسترش انقلابات کشورهای تحت استعمار در آفریقا نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. مبارزات خلق و تأسیس جبهه آزادیبخش موزامبیک (فرلیمو)

تا پیش از قرن بیستم مبارزات خلق موزامبیک علیه استعمار پرتغالی بدون تشکیلات و آگاهی لازم و تحت رهبری شیوخ اقوام و طوایف مختلف بود. شیوخی که به نفعات از طرف استعمارگران خریداری شده، در مقابل هم قرار گرفته و جنبشها را به بنامش و شکست کشاندند. در این دوران مبارزات اساسا به یک پا دو طایفه محدود میشد. همین دلیل استعمارگران آنها را به آسانی و با خشونت تمام سرکوب میکردند. آخرین این گونه شورشها مربوط به سال ۱۹۱۷-۱۸ است.

در قرن بیستم اشکال نوین مبارزه و سازمانهای مقاومت ظاهر شدند. سازمانهای دهقانی در شمال کشور برای بهبود وضع زراعت بوجود آمدند. سازمانهای فرهنگی و گروههای دانشجویی و دانش‌آموزی تشکیل شدند. روزنامه‌ها و مجلات به نشر عقاید آزادی‌خواهانه مبادرت ورزیدند. در سال ۱۹۲۹، «ادوارد موندلین» (که بعدها رهبر فرلیمو شد) دهه دانش‌آموزان متوسطه آفریقای موزامبیک «NESAM» را تأسیس کرد. در این موقع سطح آگاهی توده‌های زحمتکش بسیار پایین بود و آنان هنوز به ضرورت مبارزه بیکارچه بی‌نبره بودند، حرکات آنان محدود به جنبشهای خالصا اقتصادی و گاه سیاسی می‌گردید. اعتصابات کارگران بندر «لورسو مارکر» در سال ۱۹۲۸، که منجر به تمهید چند صد نفر شد و اعتصاب سال ۱۹۵۶ که منجر به مرگ بیش از ۵۰ نفر شد کمک زیادی به رشد آگاهی خلق موزامبیک کرد. در دهه ۶۰ قرن بیستم شرایط به سرعت تغییر کرد. در ۱۶ ژوئن ۱۹۶۵ قتل‌عام بیش از ۶۰۰ نفر در «موندل» (در شمال موزامبیک) به خاطر پیشروی خلق ثابت کرد که بدون سازماندهی و بدون روی آوری به مبارزه مسلحانه هرگز قادر به کسب استقلال نخواهند بود.

در اوائل دهه شصت، سحرچیان مبارزاتی که در قستهای مختلف موزامبیک کار می‌کردند بوجود آمدند: در سال ۱۹۶۵ «اتحاد مردم کراتیک موزامبیک» UDENAMO که تحت رهبری

نامه یک کارگر:

از رنج و مشقت ماست که

«یقه سفیدها» به نوائی می‌رسند

درد نمدانم از کجا شروع کنم ما کارگران که چرخ اصلی ملکوت را می‌چرخانیم از کار و کوشش و رنج مشقت ما یقه سفیدها بنوائی میرسد خانوادشان در آن بالاها مسکن دارند با هزاران وسایل خانگی و تفریحی اما طبقه ما کارگران که هر خانواده شش یا هشت نفری در یک اتاق مثل کرم بهم میلولیم و در دل میگوئیم روزی بشود که انقلابی در ایران بوجود آید آنوقت ما میدانیم و...؟ انقلاب هم پدید آمد.

در خیابان یادآوران کارخانه‌ای هست به نام «رخسبات کسرو سازی ششاد این کارخانه دارای ۶۵ کارگر دائمی و در حدود ۱۵۰ کارگر موقت (معدای از این کارگران را زنها تشکیل میدهند که اکثریت آنها شوهر مرده و دارای چند سر عائله و هر کدام با سابقه ۱۵ الی ۱۵ سال می‌باشند که روزانه مبلغ ۲۸۵ ریال دستمزد میگیرند عده دیگر مردها میباشند که سنشان از ۲۵ سال بیلا میباشند و اینها هم با سابقه مثل زنها روزانه ۳۵ الی ۴۰ تومان دستمزد میگیرند) در زمان طاغوت مدیر عامل کارخانه با سرمایه ۶۰۰ هزار تومان شروع بکار کرد و الانه که مدت ۱۵ الی ۱۷ سال از تأسیس این کارخانه میگذرد سرمایه مدیر عامل کارخانه از- میلیاردها هم تجاوز میکند.

بگذریم اما این آقای سرمایه‌دار که خود را از طبقه روحانیون و حاجی‌آقاها معرفی میکند. چگونه توانسته است خون یک ملت کارگر زحمتکش را، تو شیبه کند هرگاه می‌خواستیم اعتراض بکنیم مدیر داخلی‌شان که یک سرشکسته آگاهسی و یکسی از سرپرستان اصلی رژیم منحوس پهلوی است ما را سرکوب میکرد و یا توسط کارگران یا کارمندان جبر بخوار می‌خورد سرکوب میشدیم هرچه از این سرمایه‌دار و مفت‌خور دزد بگویم کم گفتم، بگذریم، الانه مدت‌هاست که از انقلاب شکوهمند ایران که بدست برادران کارگر رژیم منحوس پهلوی سرکوب شد می‌گذرد

تشکیل شورای صیادان آزاد

چاقلی - گیش‌ده - ۱۹۵ نفر صیادان آزاد روستای چاقلی - گیش‌ده جهت تشکیل شورا و انتخاب نمایندگان خوداجتماعی در روستا تشکیل دادند و پس از سخنرانی در مورد اوضاع گذشته و حال جامعه و اوضاع صیادان توسط نماینده کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - گیش‌ده و چند تن از صیادان پس از بحث و گفتگوی زیاد بین صیادان سرانجام هفت نفر پاسی - ۱ - ملا محمدی پور قزل ۲ - نص کمی ۳ - صالح آخوند پور ۴ - صفرقلن کمی ۵ - حالت آخوند خوند ۶ - آخوند ریاحی ۷ - خوجیم سید دومی بعنوان نمایندگان شورای صیادان آزاد چاقلی انتخاب شدند که ۵ نفر اول اعضاء اصلی و ۲ نفر اعضاء علی‌البدل هستند.

بخشدار بندر ترکمن از وابستگی رژیم سابق است

بندر ترکمن - صبح روز شنبه ۳۰ مرداد ۵۸ بندر ترکمن فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - بندر ترکمن، هزاران نفر از مردم این شهر در یک راهپیمایی علیه بخشدار شهر که از عوامل وابسته به رژیم قبلی است شرکت کردند. اعتراض راهپیمایان به اقدامات اخیر بخشدار بندر ترکمن بود که به بهانه تعیین شهردار شهر، مرتجعین، سرمایه‌داران و عوامل رژیم، پیشین را به دور خود جمع کرده و به توطئه علیه شورای موقت

شهر بندر ترکمن و شهردار انتخابی این شورا مشغول است. در خانه قلمنامه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن خوانده شد که در آن از دادگاه انقلاب خواسته شده است بخشدار شهر را بدلیل اعمال ضد خلقیش در دوران رژیم پیشین به محاکمه کند. این قلمنامه مورد تأیید حاضران واقع شد و هزاران نفر زیر آن را امضاء کردند.

در مرگور اتحادیه دهقانی تشکیل شد

ارومیه - دهقانان منطقه مرگور در چند ماه اخیر با تازده شورای دهقانی تشکیل داده‌اند. این شوراها دهقانی در روز ۱۳ مرداد اتحادیه دهقانان را تشکیل دادند. روستائیان ۱۶ ده و نیز نمایندگان بسیاری از دهات دیگر در محل تشکیل اتحادیه گرد آمده بودند. در این اجتماع نماینده روستائیان اسلام‌آباد و نیز یکی از روستائیان «دیزج دول» ضمن اعلام هبستگی با اتحادیه، حمایت

سرمایه‌داران و اربابان را فاش کرده، خواستار مبارزه بی‌گبر با آنها شدند. در آخر برنامه قلمنامه اتحادیه دهقانی قرائت شد و ضمن آن اتحادیه خواستار مبارزه با ظلم و ستم ثلوث‌الها و کسب حقوق حقه دهقانان از دولت شده لغو و اچا، و بعضی‌های دهقانان آمده بودند. در این اجتماع نماینده روستائیان اسلام‌آباد و نیز یکی از روستائیان «دیزج دول» ضمن اعلام هبستگی با اتحادیه، حمایت

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دیگر

تاریخچه و منشاء روزیونیسم در جنبش کمونیستی (۵)

هنرمندی مالت آمیز از دیدگاه لنین
وسیلای است برای پیشبرد امر تحکیم
سوسیالیسم در شوروی و حمایت از انقلاب
های دموکراتیک و سوسیالیستی. در یک کلام
سیاست هنرمندی مالت آمیز لنینیستی باید
در خدمت انترناسیونالیسم پرولتری و جنبش
های آزادیبخش قرار گیرد. اناروزیونیسیت
سویالیستی که به جای حمایت از جنبشهای
سوسیالیستی و دموکراتیک هنرمندی مالت
آمیز را منضمون اصلی سیاست کشور های
اعلام کرده‌اند، سیاست کاملاً متغیر بارهبران
حزب بلشویک اتخاذ کرده‌اند.

روزیونیسیتها هنرمندی مالت آمیز را به منضمون اصلی حرکت همه احزاب کمونیستی جهان که باید برای استقرار حکومت کارگری مبارزه کنند، بدل کرده‌اند.

در مجله «کمونیست» چاپ اتحاد شوروی،
شماره ۲، سال ۱۹۶۲ چنین آمده است:
«هنرمندی مالت آمیز «اساس استراتژی
کمونیسم» در دوران ماسار است و کمونیست
های سراسر جهان باید مبارزه با مخاطر هنرمندی
مالت آمیز را اصل اساسی سیاست خود
قرار دهند. و در جای دیگر رهبران حزب
کمونیست اتحاد شوروی مدعی می‌شوند که
در شرایط هنرمندی مالت آمیز امکان
گذار مالت آمیز کشورهای سرمایه‌داری
به سوسیالیسم انزایش یافته است.

(ناماریف «پیشی مالت جنبش انقلابی»)
می‌بینیم که روزیونیسیتها هنرمندی مالت
آمیز را به منضمون اصلی سیاست خارجی کشور
های سوسیالیستی و حتی به منضمون اصلی
حرکت همه احزاب کمونیستی جهان که باید
برای استقرار حکومت کارگری مبارزه کنند،
بدل کرده‌اند. در حالی که سیاست هنرمندی
مالت آمیز لنین یکی از جنبه‌های سیاست
جهانی دولت کارگری است و تازه آن هم باید
در خدمت پیشبرد اهداف انترناسیونالیسم باشد
ونه تنها راه انقلابی‌دموکراتیک و سوسیالیستی
را سد نکند بلکه هموار کننده چنین راهی
باشد. در واقع سیاست هنرمندی مالت آمیز
دولت کارگری از دیدگاه لنین با منافع
امپریالیستها متغیر بوده و در جهت منافع
کارگران و زحمتکشان جهان است. و با ادامه
روزیونیسیتها در پیش گرفته‌اند در جهت
هنکازی و سازش طبقاتی و جلب رضایت
امپریالیستها دور می‌زنند.

لنین در نخستین پیش نویس ترمای در
پاره مسائل ملی و مستمرانی چنین می‌نویسد:
«جامعه ملل و کلیه سیاستهای پس از جنگ
متفقین بازم آشناتر و جدیتر این حقیقت
را فاش می‌کنند که همچنانکه در همه جا

تئوری «سوسیال امپریالیسم» انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۵)

آنها که به قدرت رسیدن روزیونیسیتها را با احیای سرمایه‌داری یکی می‌کنند از درک
ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک عاجزند.

روزیونیسیتها حزب توده خود را وکیل
مدافع روزیونیسیم دشمنی می‌دانند و همیشه
ودر همه شرایط مذبحخانه کوشیده‌اند بامدیحه
سرائی و تانگوئی از تمام انحرافات روزیونیسیتی
مسلط در شوروی دفاع کنند و همان پرچب
های را که کائوتسکی‌ها، و یا منشویکها به
بلشویکها می‌زدند، نثار مارکسیست-لنینیستها
کنند.
اپورتونیسیتهای پیکار و شرکاء نیز با گفتن
این که شوروی یک کشور امپریالیستی است
خیال خود را راحت می‌کنند. توده‌ها را می
گویند هرکس از شوروی انتقاد کند طرفدار
چین و بقول خودشان «ماژوتیست» است.
پیکاریها و بویژه برخی از شرکاء آنها نیز
می‌گویند هرکس شوروی را امپریالیست نداند
«مخالف روزیونیسیم» و توده‌های است. گوئی
اینها از ترس آن که مبدا توده‌های بشوند، تر
سوسیال امپریالیسم را پذیرفته‌اند.
اما مارکسیسم، لنینیسم به ما می‌آموزد که
باید با تمیق تمام، هر نوع گرایش روزیونیسیم
نیستی را بررسی کنیم و آن را همانگونه که
هست شناسیم چرا که اشیاء در این امر سبب
رشد روزیونیسیم می‌شود و این خود خطراتی
مرگبار برای جنبش کمونیستی میهن ما به
همراه خواهد داشت.

بیزاری ما از روزیونیسیم حزب توده و
حمایت دیگر احزاب روزیونیسیتی بویژه حزب
کمونیست شوروی از این جریان قویا انحرافی
که هنوز به عنوان خطری جدی برای جنبش
کارگری ایران به شمار می‌رود نباید سبب شود
که ما در تحلیل از نظام شوروی-دشمن‌ناشاید
زدیگی شویم.
آنها که بر خورده علمی مارکسیست -
لنینیستها را «مخالف گری سوسیال امپریالیسم»
تثبیه می‌کنند و با گفتن این عبارت خیال خود
را راحت می‌کنند در واقع ورشکستگی
ایدئولوژیک و ماهیت اپورتونیسیتی خود را به
اثبات می‌رسانند. انحرافات ایدئولوژیک چین
و شوروی که امروز هر دو گرفتار روزیونیسیم
نیستی متفاوت از یکدیگرند به معنی احیای
سرمایه‌داری در این کشور و سایر کشورهای
سوسیالیستی نزدیک به آنها نیست آنها که به
قدرت رسیدن روزیونیسیتها را به مادیگی با
احیای سرمایه‌داری یکی می‌کنند در واقع
از درک عمیق ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم
دیالکتیک عاجزند.

این عقیده که نظام شوروی سرمایه‌داری
است، بطور کلی متغیر و پرخند اصول اساسی
مارکسیسم است. مارکس و همه مارکسیستها
این اصل ابتدایی را می‌پذیرند که سرمایه‌داری
شیوه تولیدی است که اساس آن را مالکیت
خصوصی تشکیل می‌دهد. در چنین نظامی تولید
کالایی عمومیت یافته و عوامل تولید متسلط
نیروی کار، ابزار کار، زمین و غیره به کالا
تبدیل می‌شوند. تولید کالا بر اساس رقابت

در بازار استوار است. رقابت میان سرمایه
های منفرد، قانون ارزش کار را بوجود
می‌آورد و نیروی محرکه لازم را برای پروسه
تاریخی انباشت سرمایه ایجاد می‌کند. آیا
نظام شوروی چنین است؟
در نخستین دهه‌های پس از انقلاب اکثر،
خلع ید از طبقه سرمایه‌دار و ملی کردن وسایل
تولید از جانب دولت کارگران که با پی-
ریزی اقتصاد با برنامه همراه بود، رقابت
سرمایه‌داری را از میان برد و با از میان رفتن
اقتصاد بازاری، دیگر وسایل تولید خصلت
کالایی خود را از دست دادند و در نتیجه
سرمایه و قانون ارزش کار به مفهومه که
در نظام سرمایه‌داری وجود دارد، از میان
رفت.

برخی مدعی می‌شوند که پس از سرنگ
رفیق استالین و به قدرت رسیدن روزیونیسیتها
«در اتحاد شوروی، وسایل تولید جنگلی به
یک سرمایه واحد تبدیل شده‌اند که سرمایه
داران دولتی انحصاری مشترکاً صاحب آن
هستند.» (نشریه ری پرز Red papers
چاپ آمریکا). این ادعا، خود روزیونیسیم
محض است.
مارکس می‌گوید: «سرمایه فقط و فقط به
سورت سرمایه‌های بیشمار وجود دارد و می
تواند به موجودیت خود ادامه دهد. لنین نیز
تأکید می‌کند که در دوران امپریالیسم و در
شرایط وجود انحصارات بزرگ نیز هرگز
انحصار به طور کامل برقرار نمی‌شود و رقابت
را از میان نمی‌برد.
برخی از مدافعان سرشناس تراجیحی سرمایه
داری در شوروی، مثلاً نیکولایوس امریکایی
که بیشتر تحت تاثیر افکار «پائونیان» قرار
دارد، اعلام داشته‌اند که در شوروی قانون
ارزش دوباره بر اقتصاد مسلط شده است و از
همین رو باید بپذیریم که نظام این کشور بکنک
سرمایه‌داری است (نشریه ری پرز). این عقیده
مورد حمایت خیلی از کسانی است که به
«احیای سرمایه‌داری» معتقدند.
ما در این جا پیش از آن که به این نظر پاسخ
دهیم، قانون ارزش را به اختصار توضیح می
دهیم:

در نظام سرمایه‌داری کالاها در بازار مطابق
ارزش خود یعنی مطابق با زمان کار اجتماعا
لازمی که صرف تولید آنها شده، با یکدیگر
مبادله می‌شوند. این پدیده را قانون ارزش
می‌گویند.
در جامعه سرمایه‌داری که قانون ارزش بر
همه شئون اقتصادی تسلط دارد، توزیع سرمایه
در رشته‌های مختلف توزیع وسایل تولید،
نیروی کار و غیره همگی تابع قانون ارزش
هستند.
در جامعه سرمایه‌داری از آنجا که رهبری
مترکز اقتصاد وجود ندارد و تولید مطابق
یک برنامه معین صورت نمی‌گیرد، هیچ
سرمایه‌داری نمی‌تواند از قبل پیش‌بینی کند که

هرگاه با فداثیان فلسطین علیه سهیونیسیم

محرکین جنگ داخلی وابسته ...

با کمترین امکانات و با تکیه به نیروی خلق
تمدنیست سرخ‌ترین مبارزات آزادیبخش را
علیه نیرومندترین قدرتهای امپریالیستی سازمان
داد.
اکنون پس از گذشت سالها خلقی که در
کوران سخت‌ترین مبارزات انقلابی آبدیده
شده و از هزاران آزمایش دشوار استوارتر
از پیش سر بلند بیرون آمده، همچون سنگر
شکست ناپذیر انقلاب و خط مقدم جبهه
نبرد علیه امپریالیسم و سهیونیسیم در منطقه
بمبارزه خود ادامه می‌دهد.
مبارزه خلق فلسطین امروز از چنان حقایقی
برخوردار است که حتی دشمنان آن در منطقه
برای فریب توده‌ها، مجبورند بدفاع ظاهری
از انقلاب فلسطین برخیزند و خود را مدافع
آن وانمود سازند. ما در دوران رژیم ضد
خلق سابق در میهن خود دیدیم که چگونه
رژیم مزدور، نزدیکترین پیوندهای اقتصادی
و سیاسی را با سهیونیسیم برقرار نموده و به
اتفاق آن علیه انقلاب فلسطین و انقلاب خلق
های تمدنیست منطقه دست به توطئه‌گری می‌زد.
ولی هیچگاه از ترس مردم ما که در انقلاب

پیروزی مبارزات قهرمانانه خلق ...

دگرگون کند. در مورد حمله به دهکده‌های
لاهیجان که آقای کریمی فرماندار شهر
که خود باهت نرفت. پشاپش حمله
کنندگان به این دهکده حمله می‌کرده و
فیلم آن نیز موجود است. روزنامه
جمهوری اسلامی این عمل را به نیروهای
مبارز و انقلابی نسبت داد.
- بعضی از هواداران انتقاد
می‌کنند که هواداران شجاع در مقابل
ستاد شناسائی می‌شدند و شمایی عملی
نشان داده اید. عده‌ای نیز ظریفند از
اشرف دهقانی هستند. در این زمینه
اطلاعاتی بدهید.
- وضعیت سازمان با وضعیت
گروه‌های دیگر فرق می‌کند. در میان
سازمانهای مارکسیست مسئولیت عمده
بر عهده سازمان مالت است. مالت نداریم
همچون گروه اشرف دهقانی وقتی چنین
صحنه‌هایی می‌بینیم دچار احساسات
شویم. البته هر عنصر آگاه، هر کسی که
تواند حقایق را تشخیص دهد از این اعمال
فجیع، از کتاب سوزان، از دربیست ن
لباس های زنان، از آتش زدن کودکان که

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

پیکار کرده‌اند و در آینده نیز در کنار
این خلق قهرمان خواهیم جنگید.
ما با آرزوی پیروزی برای آرمان مشترکمان
بگران توطنه‌های هستیم که علیه انقلاب
فلسطین توسط سهیونیسیم، امپریالیسم و ارتجاع
عرب در جریان است و اکنون در جنوب لبنان
شاهد نمونه‌های گویایی از آن هستیم. ولی
ایمان داریم خلقی که آورده‌گامهای گرامه،
اردن و تل زعتر را پشت سر نهاده است بسر
تمام دشواریها پیروز خواهد شد. و سرانجام
خلعهای انقلابی، منطقه‌ی خاورمیانه را به
گورگه امپریالیسم، سهیونیسیم و تمامی مترجمین
بدل خواهند ساخت.
مستحکم باد وحدت انقلابی خلعهای
ایران و فلسطین
مرگ بر امپریالیسم، سهیونیسیم و
سربردگان آنها
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۵۸۵۸۲۶

محرکین جنگ داخلی وابسته به امپریالیسم و...

بقیه از صفحه ۱

کنندگان اعلامیه ها، حمله به دفاتر سازمان های سیاسی و آتش افروزی های دیگر...
سخنرانی...
این فتنه جوئی ها و تحریکات توطئه عوامل وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم است. آنها با بسیج اوباش و جوماتی به بدستان رستاخیزی سیاسی در منصرف کردن افکار عمومی از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم دارند. این اوباش و جوماتی بدستان مورد حمایت هیچ یک از سازمانهای سیاسی فلسطینی و مترقی نیستند.

سلمان زبیرزمینی کاری کنند و نیروهای چپ فعالیت علنی دارند. آنها به نظر شما ارتباطی بین این اظهارات و حمله به دفتر شما وجود دارد؟
چ- شاید در مورد اظهارات آقای چمران، آتش زدن کتابخوشی ها، هجوم به زنان و غیره در آینده دلایلی به دست آید و اینکه نیروهای چپسی در شمال به طور علنی فعالیت می کنند و سایر سازمانها به طور مخفی، مفرضانه است.

س- نظر شما راجع به قطعنامه راهبمائی قدس چیست؟
چ- متأسفانه قطعنامه راهبمائی دارای جنبه های متناقض بود. از یک سو بر روی ضرورت مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم تکیه داشت که عمیقاً مورد حمایت نیروهای انقلابی و مترقی است. از سوی دیگر تهاجم علیه نیروهای انقلابی و تهدید آزادی مطبوعات بود که در جهت منافع خلقهای ایران نیست.

س- آیا در چنین شرایطی اختلاف نیروهای چپ را لازم نمی دانید؟
چ- مادر این شرایط ضمن تأکید روی ضرورت وحدت در جنبش کمونیستی هتقد به گسترش همکاری و همگامی همه نیروهای مبارز و انقلابی علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستیم.

س- برخورد شما با جواب مثبت و منفی دولت در رابطه با پس دادن ستاد چیست؟
چ- در صورتی که پاسخ دولت مثبت باشد، طبیعی است که همچنان فعالیت برای شرایط علنی و قانونی فراهم خواهد بود. ولی همچنانکه به سخنگوی دولت یادآور شدیم جلوگیری از فعالیت علنی سازمانهای سیاسی، مسلمانان و غیره که مهمترین آن گشایش راه برای غلبه اوتدیان و دیکتاتوری است به بار خواهد آمد. ما با همه توطئه ها که قصدشان محدود کردن یا از بین بردن فعالیت علنی است مبارزه خواهیم کرد.

س- آیا سفر چمران به کردستان می تواند در ارتباط با حملات اخیر باشد؟
چ- ما به هیچ وجه اعتمادی به فعالیت آقای چمران نداریم و این ناشی از سوابقی است که ایشان در رابطه با گروه امل در لبنان داشتند که دارای سوابق توطئه علیه سازمانهای مترقی فلسطینی و لبنانی است. در این باره مقاله مفصلی در شماره های ۲۸ و ۳۰ روزنامه کار منتشر می شود. سیاستی که چمران در کردستان پیش گرفته بود به اعتقاد ما سیاست جنگ طلبانه بود.

س- به نظر شما کدام سازمانها در کردستان مترقی هستند؟
چ- از نظر ما تمام سازمانهایی که خواهان تأمین حقوق حقه خلق کردستان در چهارچوب وحدت و یکپارچگی ایران مبارزه می کنند سازمانهای مترقی محسوب می شوند اما در کردستان سازمانهای ارتجاعی هم فعالیت دارند. از قبیل قباذه موقت که سوابق همکاری آن با رژیم شاه و ساواک، سیا و موساد اسرائیل و صهیونیسم ترکیه به اثبات رسیده است.

س- یک عکس از زمین جزئی در تظاهرات نشان می دادند در مقابل شاه، این به چه ترتیب است؟
چ- رفیق جزئی یکی از احسانهای مبارزات تاریخ خلق ما است. تنها بی شرم و کسائی که وقاحت راه کمال رسانده اند به چنین اعمالی متشبث می شوند.

س- روزنامه جمهوری اسلامی در مورد تصرف دفتر از قول شاهدان عینی نوشته بود که شامصیح وسایل ستاد را تخلیه کرده اید، جواب شما چیست؟
چ- خبر روزنامه جمهوری اسلامی بسیار جالب بود. چون به روشن ترین وجهی هم دستی ما موران برخی از کمیته ها را با این اوباش نشان می دهد. ما می برسیم اگر پاسدارها از قبل در جلوسا دستگیر شدند، پس چرا مانع حمله نشدند؟ این روزنامه مفرضانه خواست حقایق را...

بقیه در صفحه ۵

جانیات بیشمار بقایای فئودالها در آذربایجان غربی با کمک کمیته...

بقیه از صفحه ۸

که با تفنگهای به خانه من بیایید تا برای تشییع جنازه ملامسطنی بارزانی بشهر برویم روستائیان نیز به اینکار مجبور میشوند و به مالک به آنان میگوید که سلاحها ببرد شما نمیخورد و اینکه اسلحه احتیاج به سلاح ندارد، پس تمام اسلحه های آنان را جمع آوری می کند. روستائیان که فریب خورده اند با ناراحتی به خانه برمیگردند. ولی ارباب که با خلع سلاح روستائیان خیالش آسوده میشود، ادعا می کند که تاکنون شما اجاره کرده اید. و باید جریمه بشوید و شروع به گرفتن باج می کند بطوریکه با حساب قیمت تفنگها از هر يك ۲۵ هزار تا ۳۵ هزار تومان جریمه میگیرد (در چند روستا در مناطقی مرکز سرگز و سومی و بردوست که مساهلهای پراکنده هستند، نظیر این عمل را مالکین دیگر انجام میدهند) یکی از اهالی قره آغاج میگوید اگر ما میدانستیم خلع سلاح میشود تا پای جان می جنگیدیم و کشته میشدیم اما سلاحهایمان را نماندیم ولی این عمل تجاوزکارانه مالک برای ما درس بزرگی شد. در مورد جریمه یکی از اهالی میگوید: ۶۵۰ گوسفند فروختیم ۳۵۰ هزار تومان جریمه ارباب تمام شد و مجبور شدیم چهارگاو و دیگر را هم بفروشیم تا پولش جور شود.

اما در بعضی از روستاها که کشاورزان هیچگونه درآمدی نداشتند که بتوانند این مبلغ کلان را بپردازند، ارباب آنها را از دو بیرون ویا آنها را شکنجه میکرد. به عنوان نمونه حاجی سهای دو نفر از دهقانان را بهمین علت با سنگها «اخته کشی» نامها، اخته کرد. و زمینهایشان را بزور غصب کرد. از این رو یکی از اهالی میگوید که مالکین روستاهای این منطقه در اطراف شهرها چادر میزند یا به روستاهای نزدیک شهر کوچ می کنند یا در روستاهای نیه از مجال ترکور ساکن میشوند.

از روستائیان سؤال شد شا چگونه در مقابل این تجاوزات و جانیات مالکین مقاومت

چپاول هرچه بیشتر مردم کردند و عمال و تردیکان خود را مسلح نمودند. کنترلرزی در اختیار آنان قرار گرفت و قاچاق اسلحه بیش از پیش رواج یافت. از جمله این خائنین مالکی بنام حاجی سهای است. وی در جریان قیام و بعثت دوستی و نزدیکی با رئیس ساواک آذربایجان غربی، او را از مرز فراری می دهد، تا دچار خشم مردم نشود، البته معاون ساواک این منطقه هم با لطف حاجی سهای از مرز فرار میکند. در روزهای قیام مسلحانه مردم، داروستانه حاجی سهای و جهانگیرخان که از مجاورین به حقوق مردم اند، هر یک جداگانه به گروهان زندان امری «سرو» که کنترل پایگاههای مرز ایران و ترکیه را عهده دار بود، حمله می برند و بین داروستانه ایندو مالک برسر تقسیم اسلحه برخورد میشود که طی آن ۴ نفر کشته میشوند. جهانگیرخان در مقابل سلاجهائی که از زندانها صادره می کند رسیدی با اسلحه خود به آنها می دهد تا در شهر رشتا به فرمانده خود بدهند.

پس از قیام، اربابها به منظور بلست گرفتن هرچه بیشتر این منطقه و پس گرفتن زمینهایشان از دهقانان شروع به تشکیل دسته های مسلح می کنند و برای آسوده شدن از جانب دهقانان با نقشه های مختلف آنها را خلع سلاح می کنند.

بنونه ای از دهها تجاوز مالکین را در روستای «قره آغاج» میتوان نام برد. در محبتی که از تردیک با کشاورزان این روستا داشتیم روستائیان چنین می گفتند: روستاهای محال بردوست با ۲۷ خانوار مورد تجاوز مالکین واقع شد در این یورش آبادی اربابان از روستائیان مبلغ ۲۱۲ هزار تومان رشوه گرفتند. توضیح آن که یکی از مالکین به روستائیان میگوید که به علت ناامنی در منطقه باید تفنگ بخرند و دهقانان نیز مجبور به این کار میشوند. سپس مالک سلاجهای خریداری شده را بازدید کرده و مرسلاهی که کهنه بود به صاحب آن دستور میدهد که باید اسلحه نو بخری. بعد از نو شدن تمام سلاحها روزی نیم یا شش فروردینماه سال جاری به آنها می گوید

بمخاطر عدم توانائی در پرداخت شهریه: چرا باید فرزندان زحمتکشان از تحصیل...
شیران نو، جوانیه و بسیاری از مناطق دیگر مدارس دو یا سه نوبتی است و در هر کلاس دانش آموزان تا پای ختم کار هم چیده شده اند. باین ترتیب روشن است که سرنوشته کودکانی که در سایر شهرها و بخصوص روستا های میهن بسر میبرند چگونه است. در کارگران و دهقانان، کیه و پیشه وران و کارمندان جزء که تحت فشارهای گوناگون اقتصادی بسر میبرند با وجود تحمل بار سنگین مبارزه قهرمانانه خود از تحصیل رایگان محرومند.

بسیاری از فرزندان زحمتکشان برای کمک به خانواده های خود و کاستن از بار فقر و محرومیتی که بردوش آنهاست مجبورند از سنین پائین کار کنند. در میان این کودکانی که در کارخانه ها، کارگاهها و مزارع کار می کنند نمیتوان کسی را پیدا کرد که فقر و محرومیت او را در سنین پائین به کار طاقت فرسا وادار نکرده باشد. کارگری که یک خانواده ۶ تا ۷ نفره را اداره می کند با حقوق ناچیز خود، با عدم تأمین اجناسی و بیکاری که هر لحظه او را تهدید می کند چه میتواند بکند؟ او برای نجات از وضع فلاکت بار خود مجبور است فرزندان خود را بکار وادارد. دهقانی که بر روی زمین کار می کند، نیز فرزندان خود را بکار بر روی زمین وادار می کند و باین ترتیب فرزندان زحمتکشان از ابتدائی زندگی خود سرنوشته ای تعیین شده است اما ثروتمندان از سنین پائین فرزندان خود را به کسود کسکان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه میفرستند آتیهای مطمئن را برای آنان تأمین می نمایند ولی در مقابل ما شادیم که چگونه فرزندان زحمتکشان در صورت امکان تحصیل هم تعدادی بسیار محدود متوسله را تمام می کنند و اگر چنانچه

توانائی تحصیلات دانشگاهی را داشته باشند شادیم که بخاطر شرایط حاکم بر کشور تنها کسانی میتوانند به دانشگاهها راه یابند که با فراغت پل در بهترین مدارس تحصیل کرده باشند. چنانچه نظری بقبول شدگان کشور در دانشگاهها بیاقتیم تعداد کسانی که وارد دانشگاهها میشوند میبینیم که تعداد فرزندان کارگران و دهقانان و یا پیشه وران جزء چند نفر ناچیز است. اما ثروتمندان چنانچه فرزندان در دانشگاههای ایران هم قبول میشوند، برایشان اهمیت ندارد، زیرا ثروت آنها حلال مشکلات است و راه دانشگاههای کشورهای اروپا و امریکا برایشان باز است. ولی دیگر زحمتکشان زیر بار آموزش طبقاتی نتوانند رفت تظاهرات چندروزه اخیر دانش آموزان بخاطر لغو شهریه و امکانات تحصیل رایگان و اجباری برای همه فقط بخشی از اعتراضات تومده در این باره است چرا که پس از قیام تاکنون تحصیل رایگان و اجباری از خواستهای صمدهای بود که تومدها روی آن پافشاری داشته اند اما دولت که به حمایت سرمایه داران پرداخته است در لغو شهریه و امکان تحصیل مجانی برای همه بهترین توجهی نداشته است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همگام با کارگران، زحمتکشان در این راه پشتیبان تومدها خواهد بود و از آنجائیکه فئودالها خلق تاکنون همرا تومدها قاطعانه در قطع نفوذ امپریالیسم، بویژه امپریالیزم امریکا و سرمایه داران داخلی شان و سایر مرتجعین مبارزه کرده اند همچنان تا تحقق خواستهای بحق مردم دوش بدوش زحمتکشان مبارزه خواهد کرد. مبارزات اخیر دانش آموزان در لغو شهریه و از بین بردن آموزش طبقاتی خواست مردم است و ما نیز در کنار آنان خواهیم بود.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

یاد شهدا گرامی بساد



محمد صفاری آشتیانی، غلامرضا باقرزاد، احمد زهری، زین العابدین رشتچی

رفیق احمد زهری در سپیده دم ۲۸ مرداد سال ۵۱ که رژیم مزدور شاه بار دیگر سالگرد کودتای ننگین و شد خلقی خود را جشن می گرفت، با آوازی گلوله های خود سرود پرشکوه خشم روزافزون خلق راسداده، سرودی که بیانگر این واقعت بود که خشم خلق در زیر سرنیزه و اعدام و تیرباران و شکنجه مداوم بیست ساله نتواند نمره ای فرو نشسته، بلکه روز بروز شکوفا تر هم گشته است.

رفیق احمد زهری در سال ۱۳۳۳ در خانواده یک ماهیگیر فقیر در بندر اتزلی، در دامان فقر و زحمت و تلاش مداوم، دیده به جهان گشود. همه افراد خانواده در کار ماهیگیری و تهیه خوراکی به بندر کسک می کردند ولی با اینهمه زندگی آنها به تنواری می گذشت. احمد برای ادامه تحصیل نیز مجبور بود کار کند و در سنین جوانی مدتی باربری می کرد تا از این طریق بار زندگی افرا سخاوانه را سبک تر کند.

در ایام اشتغال به ماهیگیری، او یکبار یک اعتصاب کارگری را سازمان داد که اگرچه به شکست انجامید اما تجربه ای بود در آغاز مبارزاتی که می رفت شکل بگیرد. رفیق احمد با کار در شیلات سرانجام تحصیل خود را در دبیرستان نیز به پایان رسانید و به سر بازی رفت. پس از سر بازی در کتابخانه پارک شهر تهران مشغول به کار شد و فرصتی برای مطالعه یافت. در این دوره بود که با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و متنی مسلحانه را همچون شروزی اجتناب ناپذیر پذیرفت. او از طریق مشهوری و همکلاسی دوره دبیرستان خود، رفیق شهید بهمن آژنگ (از اعضای مرکزیت شاخه مشهد) به برقهای تهران معرفی شد و در اولین عملیات مسلحانه سازمان (مصادره موجودی بانک ونگ در مهر ماه ۲۹) شرکت کرد.

در بازگشت از این عملیات در اثر بیدستی تیری از سلاح رفیقی شلیک شد که با اسامیت به سر رفیق احمد، زخمی سطحی ایجاد کرد و کمانه کرد. در این شرایط رفیق احمد با عوارضی تمام فقط نگران رفقای دیگر و موفقیت در عملیات بود و چون تصور می کرد

که زخم او کاری است بارها از رفقا خواست که او را با همان حال رها کنند. مقارن عملیات حمله به کلاتری قلعه، عکس رفیق زهری نیز در کنار هشت رفیق دیگر در سراسر کشور منتشر شد و صد هزار تومان جایزه برای دستگیری تعیین شد. از این تاریخ تا زمان شهادت، زندگی انقلابی رفیق سراسر مبارزه با مزدوران رژیم، شرکت در عملیات و شکستن خط محاصره دشمن بود. در سراسر ۲۸ مرداد ۵۱ که رفیق برای اجرای یک عمل ضربتی از پایگاهش خارج شده بود، بسا مأمورینی که سراسر شهر را بدست کنترل می کردند درگیر شد و در یک نبرد حماسی طولانی، فدائیکاری و جانبازی و عشق به خلق و ایمان عظیم خود را به نمایش گذاشت. رفیق زهری حتی در اوج درگیری و در آستانه شهادت نیز اصرار داشت که پول چادری را که از زنی گرفته بود به او بپردازد. او با این شهادت حماسی، افسانه ای شد که هرگز از یاد نخواهد رفت.

یادش گرامی باد.

* رفیق فریدون شافعی: فردا ۳۵ مرداد نیز مصادف است با سالگرد شهادت رفیق فریدون شافعی. او یکی دیگر از فرزندان دلاور خلق آذربایجان بود که در شهر رشت به دنیا آمد و در همانجا پرورش یافت. پس از گذراندن دوره هنرستان سنتی بنسوان کارمند فنی بخشیات در زادگاه خویش بکار پرداخت. رفیق فریدون از مدمتها قبل با سایر عناصر آگاه رشتییه ارتباط سیاسی داشت و از همین طریق موفق شد با سازمان چریکهای فدائی خلق ارتباط برقرار کند. او مسئولیتها و وظایف سازمانی را با شوقی وصفناپذیر به عهده می گرفت و به تنهایی انجام می داد. در یکی از برنامه های شناسایی در ۳۵ مرداد ۱۳۵۱ با مزدوران رژیم درگیر شد و در این درگیری به شهادت رسید. یاد او همواره در خاطر ما زنده است.

دیگر رفقای شهید در ماه مرداد: * رفیق محمد صفاری آشتیانی: رفیق محسن صفاری در سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد. دوران کودکی آزمیانه از کار و

«جنایاتی را که در حق خلق عرب صورت می گیرد محکوم می کنیم»

جنایاتی که این روزها در خوزستان بر خلق عرب میگذرد و دامنه اش نیز هر روز بصورت تاز آورو و نگران کننده بالا میگیرد، نمیتواند ضمن تشدید دلهره و اتزجار در توده های زحمتکش خلق عرب خشم و نفرت نیروهای انقلابی را نیز برنیا نگیزد.

خلق رنج کشیده ای که در طول نیم قرن حکومت ننگین پهلوی بهترین فرزندان را قربانی خواستهای عادلانه خود کرده است و هنوز از عوارض شتمکاری و قلندری رژیم گذشته و حاکمیت شیوخ چابر واربابان زمین - دار و مرتجع محلی رنج میبرد، فقر و بیماری و بیبیمارمانی و بیبیمارمانی آزرده، شانه هایشان زیر بار سنگینی ستم غصب شده واز کسرتن حق اجتماعی برخوردار نیستند.

توده های زحمتکش عرب در فدائی قیام با این امید بسته بودند که بازاء جانبازی و شرکت فعالانشان در مبارزه علیه رژیم شاه خائن،

جنایات بیشمار بقایای فئودالها در آذربایجان غربی با کمک کمیته ارومیه

رژیم گذشته برای کسب حمایت فئودالهای مناطق مرزی غرب کشور از جمله اطراف رشتییه، حتی همان اصلاحات ارضی فرمایشی را شامل املاک آنان نکرد.

و پان ترتیب بهلست نفوذ مالکین در

همسر ونداد ایمانی: از مردم میخواهم نگذارند خون ونداد پایمال شود!

تولیزویون مازندران هفته پیش برنامه ای داشت در باره فدائی شهید ونداد ایمانی. در آن فیلم با مادرو همسر صحبت شده بود. آنها از ونداد واز زندگی او گفته بودند. از خصلتهاش واز عشق وایمانش به خلق و مبارزه این برنامه در منطقه تاثیر زیادی داشت و مردم را متوجه بوطه های امپریالیزم و ارتجاع و برادر کشی که میخواند راه بیدازند کرد. در اینبارت قسم کوتاهی از صحبت های همسر ونداد را میخوانید:

«... من نیمه نام آنها تیکه ونداد را گنندت چه چیزی را میخواستند ثابت کنند. مگر ونداد چکار کرده بود که آنطور کمین کردند و با آن وضع روی سرش ریختند و بسا چاقو و بیل و کلنگه او را گنندت. کدام اسلام اینو گنندت کدام خندا چنین چیزی را گنندت؟ گناهی نه بود؟ گناهی این بود که دلشور بود و از ناراحتی دیگران رنج می برد و می خواست همه خوب زندگی کنند.

... من با پناه بودم... می رفت تهران تظاهرات. می گفتم: ونداد وضع من اینطوره.

زهره، و در... برها خواهند داشت. دور نیست روزیکه اراده متحد و متشکل خلق زیر زهری انقلابی ترین و مسترترین طبقه زیر سله، یعنی طبقه کارگر، تمام حیات ننگین امپریالیسم و سرمایه داران وابسته را بگور سهاره و در آن زمان شما خاوانه هندا و فرد فرد مردم قهرمان ایران در دادگاههای خلق، جنایت های امپریالیسم و سرسپردگان آرا برای خلقهای قهرمان ایران و جهان بازگو خواهید نمود. این درس بزرگ تاریخ است و توده های مردم هیچگاه جنایتکاران را عفو نخواهند کرد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در یکمین سالگرد این قتل عام فجیع همراه با خاوانه شهدای سینا رکز و همه مردم زحمتکش و محروم ایران خاطره شهدای این فاجعه را گرامی می دارد.

جاویدان باد خاطره شهدای سینا رکز آبادان مرگ بر امپریالیسم امریکا و مزدوران داخلی

پیروز باد جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع خلق ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵۸۵۸۲۶

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به خانواده شهدای سینما رکز آبادان گرامی باد خاطره شهدای سینما رکز آبادان

یکسال از جنایت وحشیانه رژیم شاه می گذرد. اکنون مردم در سالگرد این قتل عام فجیع که انسان را بیاد کوره های آدم سوزی فاشیستهای هیتلری می اندازد، خاطره شهدای آرا گرامی می دارند. قتل عام وحشیانه در سینما رکز آبادان هنگامی اتفاق افتاد که مبارزات حق طلبانه و عادلانه خلقهای قهرمان ایران اوج جدیدی پیدا کرده و می رفت تا طومار ننگین رژیم پهلوی، این رژیم سراسر وابسته به امپریالیسم را به زباله دان تاریخ بیسار. کشتار وحشیانه مردم در سینما رکز آبادان به فاصله یکروز از محاصره مطبوعاتی شاه جلال با خبرنگاران جبرم غوازش که در آن گفته بود: «ما به مردم وعده تمدن بزرگ می دهیم و آنها وعده وحشت بزرگ» صورت گرفت و این نشان می دهد که مزدوران سازمان امنیت بنسور شاه خونخوار و برای اثبات گفته هایش در «ایجاد وحشت بزرگ» دست به این جنایت بزرگ زدند و سعی کردند این جنایت بزرگ را به مبارزین راستین خلق نسبت دهند و توده های زحمتکش را نسبت به آنها بدبین سازند. ولی هوشاری مردم ما و بویژه حیثیاری خاوانه شهدای این فاجعه که حاضر نشدند آلت دست دستگاه تبلیغاتی شاه قرار گیرند، این توطئه و فریب را خنثی نمود.

چرا باید فرزندان زحمتکشان از تحصیل محروم بمانند؟

دانش آموزان میهنان از جمله نیروهای مبارزی بودند که همیشه در جریان مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی در کنار کارگران و زحمتکشان نقش فعالی داشتند. دلاوریهای آنان در مبارزات یکساله اخیر بویژه در روزهای خونی ۱۷ شهریور سپی در ۱۳ آبان (که به «شنبه سرخ» شهرت یافت) که با تظاهرات پرشور خود از پای نتشندند تا قیام بهمن ماه را گلگون کنند، همیشه در خاطر ما جاودان خواهد ماند.

سینه های پرشوری که آماج گلوله های ارتش مزدور شاه شد با این قصد که پیروزی از آن خلق شود.

پس از قیام بهمن ماه و گشایش مدارس، محصلین راهی کلاسها شدند. اما این بار کوله باری از تجربیات مبارزاتی را همراه خود پندره بردند تا با تکیه بر آن در جهت از بین بردن مظاهر فرهنگ پوسیده امپریالیستی بجا مانده از رژیم شاه گام بردارند.

آنان درین راه کوشیدند تا هرچه بیشتر ماهیت فرهنگ طبقاتی بجامانده از رژیم سابق را افشا کنند و درین راه با اتخاذ شیوه های دموکراتیک و از طریق شوراهای دانش آموزی به رشد آگاهیهای سیاسی - اجتماعی گروه های وسیع محصلین پرداختند ایجاد کابخانه ها، تشکیل نایتگاههای عکس

بخطا عدم توانایی در پرداخت شهریه:

یکسال از جنایت وحشیانه رژیم شاه می گذرد. اکنون مردم در سالگرد این قتل عام فجیع که انسان را بیاد کوره های آدم سوزی فاشیستهای هیتلری می اندازد، خاطره شهدای آرا گرامی می دارند. قتل عام وحشیانه در سینما رکز آبادان هنگامی اتفاق افتاد که مبارزات حق طلبانه و عادلانه خلقهای قهرمان ایران اوج جدیدی پیدا کرده و می رفت تا طومار ننگین رژیم پهلوی، این رژیم سراسر وابسته به امپریالیسم را به زباله دان تاریخ بیسار. کشتار وحشیانه مردم در سینما رکز آبادان به فاصله یکروز از محاصره مطبوعاتی شاه جلال با خبرنگاران جبرم غوازش که در آن گفته بود: «ما به مردم وعده تمدن بزرگ می دهیم و آنها وعده وحشت بزرگ» صورت گرفت و این نشان می دهد که مزدوران سازمان امنیت بنسور شاه خونخوار و برای اثبات گفته هایش در «ایجاد وحشت بزرگ» دست به این جنایت بزرگ زدند و سعی کردند این جنایت بزرگ را به مبارزین راستین خلق نسبت دهند و توده های زحمتکش را نسبت به آنها بدبین سازند. ولی هوشاری مردم ما و بویژه حیثیاری خاوانه شهدای این فاجعه که حاضر نشدند آلت دست دستگاه تبلیغاتی شاه قرار گیرند، این توطئه و فریب را خنثی نمود.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگی